



مفهوم شهر و شهرگرایی، ساخت و سازمان فضاهای شهری در دوره ساسانی

فاطمه شفیعی^۱، کمال‌الدین نیکنامی^{۲*}، رضا شعبانی^۳

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران. نویسنده مسنول: kniknami@ut.ac.ir

۳ استاد، گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
دوره ساسانی یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران به‌شمار می‌رود. سوای از مسائل سیاسی، ساسانیان از نظر شهرسازی و معماری نیز تأثیرات فراوانی بر الگوی شهرنشینی، که عمدتاً ترکیبی از شهرسازی ایرانی و رومی بود، از خود برجای گذاشتند. روند تأسیس شهرهای ساسانی نشان‌دهنده الهام‌پذیری این شهرها از الگوها و نمادهای معماری و شهرسازی سایر ملل و اقوام هم‌عصر با ساسانیان است. در این پژوهش، با استفاده از چارچوبی نظری موسوم به رهیافت تاریخی و با بهره‌گیری از داده‌های مکتوب و نتایج حاصل از فعالیت‌های باستان‌شناختی تعدادی از شهرهای ساسانی، مسئله شهر و شهرسازی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به‌روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. مسئله اصلی در این پژوهش آن است که چه علل و عواملی بر شکل‌گیری شهرهای عصر ساسانی تأثیرگذار بوده‌اند و ساختار اصلی این شهرها به چه صورت بوده است؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مسائل مختلفی، از جمله نیازها و سیاست‌های شاهان ساسانی، در کنار مواردی چون شرایط اقلیمی و بافت سیاسی و جمعیتی هر شهر، بر شکل‌گیری شهرها و فضاهای شهری منشعب از آن تأثیر داشته‌اند (مدور، مستطیلی یا هیپوداموسی، نامنظم). همچنین، تبادل فرهنگی با سرزمین‌های تحت تسلط امپراتوری روم نیز بر سبک و ساختار شهرسازی ساسانیان تأثیرگذار بوده است.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶
	واژگان کلیدی: دوره ساسانی شهرسازی شهر ساختار اقتصادی نظام طبقاتی

* استناد: شفیعی، فاطمه، نیکنامی، کمال‌الدین، شعبانی، رضا (۱۴۰۳). مفهوم شهر و شهرگرایی، ساخت و سازمان فضاهای شهری در دوره ساسانی. پیام

باستان‌شناسی، ۱۶ (۳۱)، ۱۵۷-۱۷۶. <https://doi.org/10.71794/peb.2024.1197000>

۱. مقدمه

بر پایه منابع تاریخی، ساسانیان به‌عنوان یکی از نوآورترین حکومت‌ها در زمینه اصول شهرسازی و معماری ایرانی شناخته می‌شوند. احداث شمار زیادی از شهرها به شاهان نخستین این سلسله نسبت داده می‌شود، تا آنجا که گویی پادشاهان ساسانی در این امر با یکدیگر رقابت داشتند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۵). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هیچ سلسله‌ای در ایران پیش از اسلام به اندازه ساسانیان به شهرسازی علاقه‌مند نبوده است؛ به‌گونه‌ای که تقریباً هر یک از شاهان ساسانی یک یا چند شهر را بنیان نهاده‌اند (بهرامی، ۱۳۵۶). این حکومت با دگرگون‌سازی روند حاکمیت پیش از خود، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های شهرسازی را در ایران پدید آورد. شهرهای ساسانی امروزه از مهم‌ترین آثار تاریخی ایران محسوب می‌شوند و منابع تاریخی گواه وسعت شهرسازی و توجه ویژه پادشاهان این دوره به این موضوع هستند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش به بررسی توجه امپراتوری ساسانی به مقوله شهر و شهرسازی می‌پردازد. از آنجا که شهرها، به‌ویژه پایتخت‌های ساسانی، از جنبه‌های گوناگون اهمیت ویژه‌ای داشتند، این حکومت توجه خاصی به شهرسازی و طراحی فضاهای شهری مبذول می‌داشت.

نگارندگان این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

۱. عوامل مؤثر بر ایجاد شهرهای دوره ساسانی و مکان‌گزینی آن‌ها کدام‌اند؟

۲. ساختار اصلی شهرسازی ساسانی چگونه شکل گرفته بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله نیازها و سیاست‌های شاهان ساسانی، شرایط اقلیمی، و بافت سیاسی و جمعیتی هر شهر، بر شکل‌گیری شهرها و فضاهای شهری تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین، عوامل دفاعی، نظامی، سیاسی و اداری در کنار یکدیگر، سبک شهرسازی ساسانی را در قالب پلان‌های گوناگون (مدور، مستطیلی و نامنظم) شکل داده‌اند.

شهرسازی ایرانی از گذشته دور، آینه‌ای از آموزه‌های اصیل فرهنگی و تعامل ویژگی‌های خاص اقلیمی سرزمین ایران بوده است. سابقه شهرنشینی در ایران به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد بازمی‌گردد، دورانی که با توسعه روستاهایی همچون شوش و شهر سوخته، نخستین شهرها شکل گرفتند. با این حال، اوج شهرسازی در ایران پیش از اسلام را می‌توان به دوره ساسانی نسبت داد؛ دوره‌ای که شهرسازی به کمال خود رسید.

از جنبه اجتماعی و سیاسی، یکی از ویژگی‌های برجسته دوره ساسانی، اهتمام به شهرسازی و جایگاه شهری بود. شاهان ساسانی تلاش بسیاری کردند تا شهرها و ابنیه‌ای چشمگیر و متناسب با فرهنگ ایرانی و شرایط اقلیمی احداث کنند. بر پایه شواهد تاریخی، شمار زیادی از شهرها در این دوره به فرمان پادشاهان ساسانی ساخته شد. در این میان، اردشیر بابکان، شاپور یکم، شاپور دوم، پیروز، قباد و خسرو انوشیروان بیش از دیگران به توسعه شهرنشینی توجه داشتند. به‌طور کلی، ساخت شهر در دوره ساسانی نشان‌دهنده قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شاه بود و پادشاهان این سلسله در این زمینه کوشش ویژه‌ای از خود نشان دادند (مهرآفرین، ۱۳۹۳).

در ایران پیش از ساسانیان نیز، احداث شهر نمادی از اقتدار حکومت محسوب می‌شد و سرپیچی از آن به‌مثابه اعلام استقلال بود. دلیل این امر آن بود که ساخت شهر تنها در چارچوب اختیارات شاه امکان‌پذیر بود و بدون فرمان حکومتی، شهری جدید احداث نمی‌شد (مهرآفرین، ۱۳۹۳).

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مطالعاتی چون «ساخت و سازمان فضایی شهرهای ایران در گذار از دوره ساسانی به دوران اسلامی» (خالدیان و کریمیان، ۱۳۹۶)، «ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام» (پوراحمد و پوراحمد، ۱۳۹۳)، و «تأثیر عناصر، شکل و ساختار شهرهای ساسانی بر شهرهای اولیه دوره اسلامی» (امیرحسینی، ۱۳۹۶) انجام شده‌اند. همچنین، کتاب «شهرهای ساسانی» (مهرآفرین، ۱۳۹۳) از جمله منابع مهم در این حوزه به‌شمار می‌رود.

۳. واژه شهر و مفهوم آن

واژه شهر را در زبان فارسی باستان «خَشْت» می‌گفتند و در اوستا این واژه به صورت «خَشْتَر» آمده است. واژه «شهر» در فارسی نو از همین واژه اوستایی برگرفته شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ۱۶۱). در روزگار ساسانی، شهر به معنای امروزی آن را «شهرستان» می‌نامیدند. چنان‌که در کارنامه اردشیر بابکان به صورت «شترستان» آمده است و مقصود از آن، مرکز ناحیه (استان یا کوست) بوده است. واژه «شهر» در آن دوره مفهومی گسترده‌تر داشت و به معنای کشور، استان، ناحیه و ولایت به کار می‌رفت. در واقع، «شهر» جایگاه پادشاهی و مرکز قدرت سیاسی و حکومت بوده و می‌توان آن را مترادف با واژه «قلمرو» دانست. در برخی متون فارسی میانه و نیز در سنگ‌نوشته‌های ساسانی، شهر به معنای استان آمده است (دریایی، ۱۳۸۸، ۳۷).

واژه شهر در زبان‌های مردم شرق ایران با واژه‌هایی چون «گنتا» و «گند» که به معنای «حصار و بارو» هستند، نزدیکی دارد؛ برای نمونه در واژه «سمرگند» (سمرقند) که در دوران باستان «ماراگند» نام داشته است. همچنین در استان‌های شرقی ایران، واژه «گنتا گنتا» به معنای «شهر» محفوظ مانده است. گمان می‌رود این واژه در روزگار باستان به معنای دیوار و بارو بوده و شکل دیگر آن، «کد - گد» به معنای خانه نیز به کار می‌رفته است (دریایی، ۱۳۸۸، ۱۲۰).

«شهرستان» توسط «شهرب» یا «شهریگ» اداره می‌شده که احتمالاً در دوره ساسانیان یک شاه محلی بوده است و فرمانروایان استان‌ها، که «شهربان» نامیده می‌شدند، توسط شاهنشاه منصوب می‌گردیدند. یک شهر یا ناحیه به «روستاگ»‌هایی تقسیم می‌شده که هر یک از چندین دهکده تشکیل می‌یافت. کوچک‌ترین واحد، «ده» بود که ریاست آن را یک دهقان یا دهگان بر عهده داشت.

۴. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرهای ساسانی

تبدیل روستا به شهر نیازمند یک سلسله مراتب پیچیده است که معمولاً در نتیجه فرایندی تدریجی و بدون برنامه‌ریزی از پیش تعیین‌شده یا خواست گروه خاصی از مردم، به مرور زمان شکل می‌گیرد. این فرایند در عین سادگی، دارای پیچیدگی‌هایی است که گاه به عواملی باز می‌گردد که چندان آشکار نیستند.

شهرهایی از این دست، مسیر طولانی‌ای را برای تبدیل شدن از یک سکونتگاه روستایی به شهری طی می‌کنند و مراحل رشد آن‌ها ممکن است از جایی به جای دیگر متفاوت باشد. البته در برخی موارد، فراهم شدن مجموعه‌ای از شرایط خاص می‌تواند سبب شود یک روستا در مدت زمانی نسبتاً کوتاه به شهر تبدیل شود.

از جمله عواملی که می‌توان در این زمینه برشمرد، افزایش تولیدات کشاورزی یا دامی است که معمولاً در نتیجه وفور آب، کیفیت مناسب خاک و اقلیم معتدل در یک ناحیه حاصل می‌شود. افزایش تولید، معمولاً به افزایش جمعیت می‌انجامد که این افزایش ممکن است بر اثر زاد و ولد یا مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف رخ دهد. جمعیت زیاد، نیازهای متنوع‌تری را پدید می‌آورد و در پی آن، تخصص‌های گوناگون شکل می‌گیرند. بنابراین، عوامل متعددی در شکل‌گیری شهرها در عصر ساسانی نقش داشته‌اند که می‌توان به صورت خلاصه به موارد زیر اشاره کرد.

۴/۱. عامل دفاعی - نظامی (هجوم بیگانگان)

پس از خوراک، امنیت مهم‌ترین اصل بقا برای انسان به‌شمار می‌رود. تأمین این هدف جز با ایجاد مکان‌هایی امن در برابر بلایای طبیعی و رویدادهای انسانی میسر نیست. ایران، به واسطه موقعیت خاص جغرافیایی و برخورداری از ثروت، همواره مورد توجه و در معرض چپاول و غارت اقوام و همسایگان دور و نزدیک از شمال، شرق، غرب و شمال‌غرب بوده است. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ساکنان و فرمانروایان آن، ایجاد دژها و شهرهای مستحکم، دیوارهای طویل دفاعی و خندق‌هایی برای محافظت بوده است.

قلعه دختر فیروزآباد یادآور دژهای مادی است که به دستور اردشیر بابکان در زمان طغیان او علیه اردوان پنجم ساخته شد. همچنین شهر بزرگ شاپور یا فیروزشاپور به دستور شاپور دوم در عراق و در نزدیکی مرز امپراتوری روم شرقی احداث شد. این شهر که بعدها به «انبار» معروف گردید، محل نگهداری ادوات جنگی سپاه ساسانی و نیروهای ارتش بود و برای مقابله با جنگ‌های احتمالی با روم ساخته شد. آمیانوس مارسلینوس از پایتخت ایران، تیسفون، یاد می‌کند که در هنگام جنگ، غلبه بر آن ممکن نبود؛ زیرا حصارهای مستحکمی این شهر را دربر

آتشکده آذرگشنسب - متعلق به شاه و سپاهیان - ساخته شد. این مکان چنان قداستی داشت که شاه ساسانی از تیسفون پیاده به آنجا می‌رفت و با تقدیم نذورات فراوان، خواستار پیروزی در جنگ‌ها می‌شد. از دیگر مکان‌هایی که صرفاً به دلیل وجود آتشکده شکل شهری به خود گرفتند، می‌توان به کاریان با آتشکده آذر فرنیغ و کرکویه در سیستان اشاره کرد.

در تمام شهرها و روستاهای دوره ساسانی آتشکده وجود داشت؛ با این حال، پیدایش این شهرها صرفاً به دلیل وجود آتشکده نبوده است. آتشکده یکی از مؤسسات مقدسی بود که بلافاصله پس از احداث شهر یا روستا، در داخل یا مجاورت آن ساخته می‌شد. مقام پادشاهی در فرهنگ ساسانیان و به طور کلی در آیین مزدیسنا، مقامی مقدس تلقی می‌شد؛ چرا که شاهان همچون پیامبران و بزرگان دین، «فره» یا «خوره» را که نیرویی الهی بود از اهورامزدا دریافت می‌کردند. بنابراین، پس از پیامبران، شاهان بالاترین جایگاه را داشتند. عامل مذهب، گذشته از نقش مهمی که در بنیان‌گذاری و شکل‌گیری بسیاری از شهرها داشت، در طراحی معماری بناها، شبکه‌بندی و چگونگی بافت شهرها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کرد.

۳/۴. نظام سیاسی - اداری

با پیدایش حکومت‌ها در هزاره سوم پیش از میلاد، کاخ و دربار به وجود آمد. این بناهای باشکوه که محل زندگی حاکم و مرکز تشکیلات اداری و حکومتی او بود، معمولاً در قلب شهر یا در بهترین نقطه آن، در فضایی وسیع ساخته می‌شدند. با افزایش قدرت مالی و دسترسی به نیروی کار رایگان، شاهان و حاکمان محل اقامت و تشکیلات حکومتی خود را از روستا-شهرها جدا کرده و در مکان‌هایی تازه با موقعیت آب‌وهوایی یا ژئوپلیتیکی مناسب بنا می‌نهادند.

با آن‌که در آغاز دوره ساسانی دو شهر جدید گور و بیشاپور بنیاد نهاده شد، اما تیسفون، به دلیل جایگاه سیاسی و اداری خود که از دوره‌های پیشین به جا مانده بود، همچنان به عنوان مرکز دولت نیرومند ساسانی حفظ شد. در این شهر، کاخ‌هایی عظیم و باشکوه همچون ایوان مداین ساخته شد؛ کاخی درخور شأن و منزلت شاهان ساسانی، که استحکاماتش به گونه‌ای طراحی شده بود که دشمن به آسانی نمی‌توانست در آن نفوذ کند. با ظهور شهرهای نوین و بازسازی شهرهای کهن ایران در دوره

گرفته بودند که از باروهای نیرومند به بیرون راه داشتند (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

شاپور اول نیز پس از لشکرکشی به شرق ایران و شکست پهل‌چک تورانی، فرمان داد تا در محل درگیری که خراسان بود، شهری بنا شود. او این شهر را «نیوشاپور» نامید که بعدها به نیشاپور شهرت یافت. در زمان یزدگرد دوم، زمانی که سرحدات شرقی کشور گرفتار اغتشاشات هون‌ها شد، در یکی از نبردها، پادشاه قبایل هون به نام «چون» را که در شمال گرگان اقامت داشت شکست داد و در همان ناحیه شهری به نام «شهرستان یزدگرد» تأسیس کرد و چندی در آن اقامت گزید تا به سرحداتی که دستخوش غارت اقوام وحشی بود، نزدیک‌تر باشد (بهرامی، ۱۳۵۶: ۲۶).

علاوه بر شهرهای مرزی، شهرهای عمده درون سرزمینی نیز به تأسیسات دفاعی مجهز می‌شدند. از این‌رو، بررسی شهرهای مهم از دوران ایلامی به بعد در فلات ایران ایجاب می‌کند که عامل پدافندی در شکل‌دهی به نقشه (پلان) و بافت شهر، ارتفاع و ستبری حصارها، پهنای خندق‌ها، شکل برج‌ها و دروازه‌ها، سازمان درونی شبکه‌ها و تقسیم‌بندی‌های داخلی شهر، و در نهایت کهندژ مورد توجه قرار گیرد.

در دوران ساسانی، یکی از مستحکم‌ترین حصارها برای شهر مذهبی شیز (تخت سلیمان کنونی) ساخته شد؛ جایی که محل آتشکده شاهان و سپاهیان بود. وجود هدایای ارزشمند و قداست این محل همواره خطر هجوم رومیان را به دنبال داشت، چنان‌که در نهایت نیز چنین شد و گنجینه‌های فراوان آن به غارت رفت (ورجاوند، ۱۳۶۳: ۱۰). مسئله هجوم دشمنان خارجی و اقوام بیگانه‌ای که به ایران‌شهر یورش می‌بردند، همواره در طول چهار قرن حکومت ساسانیان، یکی از مهم‌ترین عوامل در ساخت شهرهایی با قابلیت دفاعی و نظامی به شمار می‌رفت.

۲/۴. باورهای مذهبی

این‌که نخستین عامل پیدایش شهر در تاریخ بشر، مذهب و باورهای اعتقادی بوده، چندان دور از واقعیت نیست. در دوره ساسانی، محل ولادت زرتشت را آذربایجان و محل شهادت او را بلخ (مزار شریف) می‌دانستند. از این‌رو، در آذربایجان که مکانی مقدس تلقی می‌شد، بزرگ‌ترین آتشکده این دوره به نام

کیلومتر اشاره کرد که آسیای صغیر را به چین متصل می‌ساخت. این جاده محل انتقال پارچه‌های ابریشمی چین به ایران و روم بود، و افزون بر آن کالاهای متعددی نیز به وسیله کاروان‌ها در این مسیر مبادله می‌شد.

شهرهایی همچون سمرقند، بلخ، مرو، نیشابور، ری، همدان و تیسفون در مسیر جاده‌های تجاری رشد قابل توجهی یافتند و اقتصاد آن‌ها بر دادوستد کالاهای تجاری استوار بود. در کنار تجارت زمینی، دریانوردی نیز در دوره ساسانیان توسعه فراوانی پیدا کرد. از این‌رو، بنادری مانند ریشهر و سیراف در حاشیه خلیج فارس احداث شد (قادری، ۱۳۸۵: ۲۷۳). بازارها و راسته‌های مختلف صنعتگران نیز از اجزای عمده ساختار شهری در این دوره به‌شمار می‌آمدند (ورجواند، ۱۳۶۳: ۱۱).

۵. بافت شهرهای دوران ساسانی

بافت بیشتر شهرهای دوره ساسانی شطرنجی بود و تا حدود زیادی از وضعیت طبیعی زمین تبعیت می‌کرد (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۳۸۶). این شهرها غالباً دارای چهار دروازه در چهار جهت اصلی بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵) که از آن‌ها دو خیابان اصلی به صورت متقاطع عبور می‌کرد و شهر را به چهار بخش مشخص تقسیم می‌نمود (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۰).

در برخی شهرها مانند بیشاپور، طراحان شهری به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند که در زوایای قائم حاصل از تقاطع خیابان‌ها، محله‌ها و خانه‌های اشراف در میان فضاهای سبز جای گیرند (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۰). بدین ترتیب، شبکه‌ای منظم از خیابان‌ها، کوچه‌ها و محله‌ها شکل می‌گرفت که بافتی مستطیل‌شکل داشتند (هوف، ۱۳۶۵: ۲۵). ارتباط شهر با حومه از طریق دو خیابان اصلی صورت می‌گرفت و معابر فرعی صرفاً به اتصال بخش‌های داخلی شهر اختصاص داشتند (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۸۵).

این الگو در شهرهایی چون ایوان کرخه، دارابگرد (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹: ۷۵)، جندی‌شاپور (هوف، ۱۳۶۵: ۵۰) و نیشابور (خوشنویس، ۱۳۷۸: ۴۳۶) نیز قابل مشاهده است. در دارابگرد، باستان‌شناسی نشان داده که شهر دارای چهار دروازه و چهار خیابان اصلی بوده و مناطق مسکونی بین این خیابان‌ها قرار داشته‌اند.

شهر اصطخر نیز ساختاری شطرنجی دارد. در شهر مدور گور،

ساسانی، دیگر نشانی از خودمختاری‌های پیشین نظام پولیسی مشاهده نمی‌شود؛ زیرا اغلب این شهرها، سیاسی - اداری و شاهی بودند (پیگلوسکایا، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

بیشتر شهرهای ساخته‌شده در این دوره، پیشوند یا پسوند نام شاهان ساسانی را دارا هستند. این امر نشان‌دهنده آن است که، اولاً، پادشاهان این سلسله توجه ویژه‌ای به عمران و شهرسازی داشتند و نقش آن‌ها در ایجاد شهرها بنیادی و انکارناپذیر بود؛ و ثانیاً، این شهرها غالباً نوبنیاد بوده و سابقه روستائینی نداشتند، بلکه به فرمان شاه و بر پایه نقشه‌ای طراحی‌شده و مهندسی‌شده به یک‌باره ساخته می‌شدند. در فرهنگ باستان، شاه و شهر به‌هم پیوندی ناگسستگی داشتند. قدرت شاه در احداث شهر چنان بود که گاه در مکان‌هایی که از نظر دیگران برای ساخت شهر مناسب نبود، فرمان ساخت شهر را صادر می‌کرد. مانند شهر جندی‌شاپور که ظاهراً فاقد شرایط لازم برای تبدیل شدن به یک شهر بود. گاه نیز شاه شهری را که با دیدگاه او هماهنگ نبود، ویران کرده و شهری دیگر را جایگزین می‌ساخت (بروغنی، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۵).

۴/۴. علایق تجاری و بازرگانی

نیاز دولت‌ها به منابع مالی، آنان را بر آن داشت تا بسترهای لازم برای ایجاد شهرهای تجاری را فراهم کنند. از جمله اقدامات در این زمینه می‌توان به ساخت راه‌ها، منزلگاه‌ها (کاروانسراها)، آب‌انبارها، بندرگاه‌ها، کشتی‌های تجاری، استقرار نیروی نظامی برای حفاظت از کاروانیان، احداث شهر در مسیر شاهراه‌ها و مناطق صنعتی، و انتقال پیشه‌وران و صاحبان حرفه به این مراکز اشاره کرد. به عنوان نمونه، شاپور اول، شاپور دوم و انوشیروان، اسیران رومی را در شهرهایی چون وه‌اردشیر، شوش، شوشتر و گندی‌شاپور اسکان دادند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۵۴).

وجود کارگاه‌های پیشه‌وری در این شهرها سبب شد تا شهرها رنگ و بویی صنعتی و هنری به خود بگیرند و اعتبار اقتصادی آن‌ها افزایش یابد. درآمد حاصل از فروش این کالاها می‌توانست رشد و شکوفایی شهر را تسهیل کند (بروغنی، ۱۳۷۷: ۷۱). لازمه شکل‌گیری شهرهای تجاری، گسترش راه‌های خشکی و دریایی بود. دولت ساسانی با درک اهمیت این موضوع، اقدام به ساخت جاده‌هایی در مناطق سوق‌الجیشی نمود. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جاده ابریشم با طول ۸۰۰۰

علاوه بر اهمیت دفاعی کهن دژ، نقش اجتماعی و سیاسی آن نیز بسیار برجسته بود. به طور مثال، در بیشاپور، کاخ‌ها و بناهای مذهبی و اداری که در این بخش ساخته شده‌اند، به طور مستقیم تحت نظارت حکومتی قرار داشتند و ارتباطات با دیگر بخش‌های شهر از اینجا هدایت می‌شد. به این ترتیب، کهن دژ به عنوان قلب شهری با ویژگی‌های خاص خود، تمامی جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی شهر را تحت تأثیر قرار می‌داد. در برخی از موارد، حتی در اطراف کهن دژ خندق‌ها یا حصارهای دفاعی احداث می‌شد تا از این بخش در برابر تهدیدات احتمالی محافظت شود (خلیق و مفرحی، ۱۳۷۶: ۲۸).

۲/۶. شارستان

شارستان یکی دیگر از بخش‌های مهم در شهرهای دوره ساسانی بود که سکونتگاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان در آن قرار داشت (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۶۷). این بخش پیرامون کهن دژ قرار می‌گرفت و بخش اصلی شهر را از نظر تراکم استقرارها تشکیل می‌داد. شارستان هیچ‌گاه شکلی ثابت نداشته و در شهرهای مختلف به صورت متفاوت و با فضاهای گوناگون طراحی می‌شده است (فریور صدری، ۱۳۸۰: ۶۱۵). در دوره ساسانی، با تکامل سازمان سیاسی و شکل‌گیری دستگاه متمرکز حکومتی، بخش اداری شارستان در هر شهر توسعه می‌یافت و به یکی از بخش‌های مهم شهر تبدیل می‌شد (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۶۸). این بخش به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی شهروندان عمل می‌کرد و با وجود بازارها و محلات مسکونی در خود، باعث رونق اقتصادی و اجتماعی شهر می‌شد (مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۸۶: ۲۲۳). نتایج حاصل از کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در شهرهای ساسانی نشان می‌دهد که ساختار شارستان‌ها به گونه‌ای بوده که در شهرهای مختلف، از جمله نیشابور، ویژگی‌های خاص خود را داشته است. برای مثال، نقشه شهر نیشابور در دوره ساسانی شامل منطقه‌ای مستطیلی به نام شهرستان بود که کهن دژ مدور به قسمت شمالی آن متصل بود (هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۲). ساختار شهر نیشابور در دوره ساسانی، حاکی از آن است که در مرکز شهر کهن‌دژ قرار داشت که پایه سکویی خشتی یا چینه‌ای به ارتفاع هشت متر و حصار به

دو حصار داخلی و خارجی و خندقی میان آن‌ها دیده می‌شود. این شهر با چهار محور شعاعی به چهار بخش تقسیم شده و هر بخش نیز دارای پنج قطاع است؛ در نتیجه شهر به بیست قسمت مساوی تقسیم شده است (هوف، ۱۳۶۵: ۷۷-۷۸). در این شهر خانه‌های ساده‌ای از گل و قلوه‌سنگ، با فاصله از هم، در میان باغ‌ها ساخته شده‌اند. البته این ویژگی همواره پابرجا نبوده است. برای مثال در تخت سلیمان برخلاف فیروزآباد که دارای چهار دروازه در چهار جهت جغرافیایی است، تنها دو دروازه در شمال و جنوب شرقی وجود دارد.

۶. ارکان اصلی شهرهای ساسانی

۱/۶. کهن دژ

کهن دژ، مهم‌ترین بخش در شهرهای اداری-سیاسی دوره ساسانی، محل سکونت پادشاه، حکام و درباریان بود. این بخش از مجموعه‌ای شامل کاخ‌ها، آتشکده‌ها و تشکیلات اداری و نظامی تشکیل می‌شد که در مرکز و بهترین نقطه شهر قرار داشت. اغلب، کهن دژ در سطحی بالاتر از سایر نقاط شهر ساخته می‌شد. این امر اهمیت فوق‌العاده‌ای برای نقش سیاسی و نظامی آن بخش از شهر داشت. شواهد باستان‌شناسی از دیگر شهرهای ساسانی نیز حاکی از آن است که کهن دژ در اکثر این شهرها به عنوان یک بخش کلیدی و تأثیرگذار در ساختار شهری حضور داشته است. به عنوان نمونه، در نیشابور، کهن دژ به عنوان ارگ حکومتی در داخل شهر وجود داشت (لباف خانیکی، ۱۳۸۶).

در بیشاپور، کاخ‌های محله شاهی در این بخش بنا شده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۵۰). همچنین در فیروزآباد، کهن دژ در قسمت اصلی و مرکزی شهر قرار دارد و شامل منار و طربال است (هوف، ۱۳۶۵: ۷۹). این بخش از شهر به گونه‌ای طراحی شده بود که دسترسی راحتی به قسمت‌های مختلف شهر داشت و در عین حال از نظر دفاعی و سوق‌الجیشی بسیار مهم بود. کهن دژ به عنوان مرکز سیاسی و تصمیم‌گیری، دارای معماری ویژه‌ای بود که قسمت‌های دیگر شهر را تحت تسلط داشت (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۷۲). این ویژگی‌ها باعث می‌شد که کهن دژ نه تنها در مقیاس شهری، بلکه در مقیاس منطقه‌ای نیز اهمیت پیدا کند و به عنوان یک مرکز فرماندهی و تصمیم‌گیری در برابر تهدیدات خارجی و داخلی عمل کند.

۳/۶. ربض

بیرون از حصاری که شارستان را احاطه می‌کرد، حومه قرار داشت که شامل کشتزارها و باغ‌های شهر بود. طبقات ساکن در این بخش، از پایین‌ترین طبقات جامعه شامل کسبه، پیشه‌وران و روستاییان تشکیل می‌شدند (مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۸۶: ۲۲۳). تأمین نیروی انسانی و تولید مواد غذایی و کشاورزی دو بخش اساسی بود که عملاً بر عهده ساکنان ربض قرار داشت و این افراد نقش کلیدی در بقای شهر ایفا می‌کردند. گاهی نیز پیشه‌وران اسیر را به زور به شهرهای تازه‌ساز می‌آوردند و در محله‌ها یا رسته‌های خاصی در ربض اسکان می‌دادند (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۷۴).

۷. اشکال و انواع شهرهای ساسانی

طراحی شکل شهرها نه تنها به نظام‌های پیچیده و شهرهای مدرن و بزرگ کنونی مربوط نمی‌شود، بلکه ریشه در تاریخ پیدایش شهر دارد. در ادوار مختلف، مهندسان شهرسازی با اهداف عملکردی، مذهبی و فرهنگی خاصی به طراحی اشکال مختلف شهر پرداخته‌اند. شکل شهر، بازتاب‌دهنده ساختار اجتماعی و اقتصادی مسلط بر جامعه شهری است. مناسبات اقتصادی-اجتماعی هر شهر در کنار عوامل دیگر، همچون آموزه‌های اعتقادی مسلط، شرایط طبیعی و جغرافیایی، تأثیرات عمیقی بر چگونگی ترکیب و آرایش عناصر اصلی زندگی شهری و تعیین ویژگی‌های بافت آن می‌گذارد (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۸۶).

همچنین، شکل شهر تابعی از شرایط نظام اجتماعی مسلط بر یک دوره تاریخی است (لینچ، ۱۳۸۱: ۴۳). نقشه شهر، بازتاب‌دهنده معتقدات، باورها و طرز تفکر مردم آن است که در محدوده جغرافیایی شهر زندگی می‌کنند (فرید، ۱۳۷۱: ۹۴). علاوه بر این، باید تأثیر فرهنگ‌های دیگر اقوام و موقعیت طبیعی نامنظم و غیرهندسی محل را نیز بر این عوامل افزود. طبق نظریه عملکردی، شهرهای ساسانی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شهرهای مدور

ب) شهرهای مستطیلی (هیپودام)

ج) شهرهای نامنظم

ضخامت پنج متر اطراف آن را فراگرفته بود. این حصار بزرگ، که به صورت نامنظم و تقریباً دایره‌ای شکل بود، اطراف شهر را محصور کرده و بناهای مسکونی در اطراف آن قرار داشت.

در شهر فیروزآباد نیز ساختار مشابهی مشاهده می‌شود؛ داخل دایره مرکزی شهر تنها ابنیه مذهبی، اداری، تشریفاتی و دولتی قرار داشت، در حالی که دایره بزرگ‌تر به محل سکونت ساکنان شهر اختصاص داشت. احتمالاً قسمت شرقی این شهر به عنوان بازاری برای فعالیت‌های تجاری و صنعتی در نظر گرفته شده بود. نکته قابل توجه این است که سطح شهر فیروزآباد پر از خانه‌های ساده و کم‌ارتفاع است، به‌ویژه در قسمت‌های شمالی و غربی شهر، اما مواد فرهنگی به دست آمده نشان می‌دهد که قسمت شرقی احتمالاً برای فعالیت‌های صنعتی در نظر گرفته شده است (هوف، ۱۳۶۵: ۱۷۹).

شهرهای دوره ساسانی به عنوان مراکز پیشه‌وری و بازرگانی شناخته می‌شدند و در اغلب این شهرها، مانند وه اردشیر، هرمز اردشیر و تیسفون، بازارهای بزرگی در اطراف شارستان‌ها قرار داشتند که محل تولید و عرضه کالاهای مختلف بودند. حضور طبقات ممتاز در این شهرها و شباهت‌های زندگی آن‌ها با ساکنان هسته مرکزی شهر، باعث ایجاد تشابهات معماری در دو بخش اصلی شهر شده بود (حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۳).

شهرهای ساسانی، مانند فیروزآباد، دارابگرد، و نیشابور، در طراحی‌های خود برای شارستان‌ها از الگوهای مشابه استفاده می‌کردند که شامل خیابان‌های اصلی، محله‌های مسکونی و بازارها می‌شد. این ساختارهای معماری باعث می‌شد که شهرها از جنبه‌های مختلف، از جمله اقتصادی و اجتماعی، به‌طور مؤثر اداره شوند. در نیشابور، نقش بازارها در اطراف کهن دژ و شارستان نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی این بخش‌ها بود، زیرا این بازارها به عنوان مراکز تجاری و محل تبادل کالاها و محصولات مختلف شناخته می‌شدند.

در نتیجه، شارستان‌ها با ویژگی‌های خاص خود، به عنوان بخش‌های حیاتی شهرهای ساسانی شناخته می‌شدند که ارتباط مستقیمی با رونق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر داشتند. این بخش‌ها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهری تأثیر می‌گذاشتند و به عنوان قلب تجاری و اجتماعی شهرها عمل می‌کردند.

با توجه به اشارات تاریخی، این شهر حداقل تا قرن چهارم هجری همچنان پابرجا بوده است، اما از اواخر قرن پنجم هجری روند سکونت در آن متوقف و تنها ویرانه‌های آن باقی مانده است. پیشینه مطالعات باستان‌شناسی این شهر به سال ۱۹۳۳ میلادی بازمی‌گردد که برای نخستین بار اشتاین در آن به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخته است. متأسفانه از آن زمان تاکنون تنها تعدادی بررسی سطحی از محوطه انجام شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کاوش‌های کریمیان و سیدین اشاره کرد، اما هیچ کاوش باستان‌شناسی جدی‌تر در این منطقه صورت نگرفته است (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹).

مطابق با مطالعات باستان‌شناسی، این بنا مرکز شهر در دوره ساسانی بوده و مرکز سیاسی و حکومتی شهر به حساب می‌آمد (همان). علاوه بر ارگ که در مرکز شهر قرار داشت، مناطق مسکونی نیز تا حدودی مشخص شده‌اند که با چهار خیابان اصلی، شهر به چهار بخش مختلف تقسیم می‌شده است. محله شمال شرقی شهر که بیشترین بقایای معماری در آن متمرکز است، تداومی از دوره ساسانی تا دوره سلجوقی داشته است. از این‌رو، این شهر در دوره ساسانی از مهم‌ترین و پربرونق‌ترین شهرهای مذهبی - تجاری به شمار می‌رفت (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۹۰).

این شهر دارای دو دروازه اصلی و دو دروازه فرعی بود که در محورهای جهات فرعی قرار داشتند. به نظر می‌رسد که دروازه شمالی در دوران ساسانی مدخل اصلی شهر بوده است، زیرا نه تنها نسبت به سایر دروازه‌ها عریض‌تر است، بلکه خیابان منشعب از آن دقیقاً بر صخره بزرگ سنگی مرکز شهر، که ارگ حکومتی بر فراز آن استوار است، عمود می‌باشد. همچنین شیب ملایم ارگ به سمت شمال، دسترسی این خیابان به ورودی اصلی مجموعه حکومتی را آسان می‌کرد (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹: ۸۲).

۲/۱/۷. فیروزآباد

شهر باستانی فیروزآباد که در دوره ساسانیان با نام گور شناخته می‌شد (سایکس، ۱۳۸۰: ۶۴۷)، به دستور اردشیر بابکان ساخته شد. این شهر در کوره اردشیر خوره بنا گردید و از آن زمان تا دوره اسلامی به نام گور شناخته می‌شد. در دوره اسلامی، عضدالدوله دیلمی نام این شهر را به فیروزآباد تغییر

مستوفی در بیان شکل شهرهای ساسانی می‌نویسد که شوش را مانند "باز" و شوشتر را مانند "اسب" ساختند (مستوفی، ۱۳۳۹: ۱۰۵). از شهرهای مدور دوره ساسانی می‌توان به دارابگرد، اردشیر خوره، مرو، تخت سلیمان اشاره کرد. از شهرهای مستطیلی (هیپودام) می‌توان به بیشاپور، جندی‌شاپور، ایوان‌کرخه، سیراف، نیشاپور و استخر اشاره کرد. همچنین از شهرهای نامنظم می‌توان به رام‌شهرستان، تیسفون و قصر شیرین اشاره کرد، هرچند برخی تیسفون را در زمره شهرهای مدور می‌دانند. نخستین شهر ساسانی، اردشیر خوره، که به‌دست اردشیر بابکان ساخته شد، دایره‌ای شکل بود و این شکل پیش از این، در دوره اشکانی مرسوم بود. به‌عنوان مثال، شهرهای ترا و دارابگرد نیز تقریباً دایره‌ای شکل بودند. گفته می‌شود که این طرح برگرفته از اردوگاه نظامی پارتیان بوده است (بوسایلی، ۱۳۸۳: ۴۱)، که نقشه آن به‌نوعی شبیه به شکل متمرکز اردوگاه‌های چادرنشینان اقوام استپ‌نشین اوراسیایی بوده است.

۱/۷. شهرهای دایره‌ای

۱/۱/۷. دارابگرد

ساسانیان در آغاز کار خود در ساخت شهرهایشان به‌طور کامل تحت تأثیر شهرسازی دوره اشکانی بودند و از آن‌ها الهام می‌گرفتند (رضایی راد، ۱۳۷۸: ۱۶). با وجود اینکه ساخت دارابگرد به دوره پیش از حکومت ساسانی بازمی‌گردد، به دلیل ویژگی‌های خاص آن، این شهر در شمار شهرهای دوره ساسانی قرار می‌گیرد. شهر باستانی و دایره‌ای دارابگرد که در دوره ساسانی و اسلامی مرکز کوره دارابگرد بوده است (افسر، ۱۳۶۵؛ طاهری، ۱۳۸۱)، از نظر تاریخ‌نگاری به اوایل دوره هخامنشی بازمی‌گردد و شواهد موجود نشان‌دهنده احتمال ساخت بنا در دوره داریوش اول هخامنشی است (یوسف جمالی و سلیمی، ۱۳۸۶).

در دوره اشکانی، کوره دارابگرد از کوره‌های نیمه‌مستقل ایالت فارس بوده و همین‌طور از این شهر بود که اردشیر بابکان علیه سلسله اشکانی شورید. با این حال، هنوز نمی‌توان با اطمینان بیان کرد که فضابندی اصلی شهر دارابگرد و باروی دایره‌ای آن در چه دوره‌ای ساخته شده است، اما این احتمال وجود دارد که باروی این شهر در دوره اشکانی و به‌تأسیس از شهرهای قلمرو غربی این سلسله، مانند هاترا، ساخته شده باشد.

می‌رسد. طول حصار ۱۱۲۰ متر و دارای ۳۸ برج است. دو دروازه اصلی در شمال و جنوب شرق مجموعه قرار دارد (ناومان، ۱۳۸۲).

سبک معماری تخت سلیمان با دیوارهای قطور از جنس قلوه‌سنگ و ملات گچ و ساروج و به شکل تقریباً بیضی است که این شیوه مشابه شهرهای اشکانی چون هاترا و تیسفون است. اما در تخت سلیمان، این شکل بیشتر به دلیل ویژگی‌های توپوگرافی زمین ایجاد شده و به طور خاص در تضاد با شهرهای ساسانی چون اردشیر خوره است که تا حد زیادی از شهرهای اشکانی تقلید شده‌اند.

تعداد زیادی از بناهای مهم بر روی صفا اصلی تخت سلیمان قرار دارند که مهم‌ترین آن‌ها آتشکده آذرگشنسب، کاخ خسرو، ایوان خسرو و معبد آناهیتا هستند. این بخش از تخت سلیمان به عنوان مهم‌ترین بخش از نظر بافت معماری و عملکردی شناخته می‌شود.

به دلیل اهمیت تاریخی این محوطه، پیشینه مطالعاتی آن به بیش از یک سده بازمی‌گردد. نخستین اطلاعات در مورد این محوطه توسط سر رابرت کرپورتر در سال ۱۸۱۹ میلادی به دست آمد و در سال ۱۸۳۸ میلادی سر هنری راولنسن برای اولین بار این محل را توصیف کرد. از سال ۱۹۳۷، اشمیت با استفاده از عکس‌های هوایی و مطالعات میدانی اطلاعات جدیدی از این محوطه منتشر کرد. در نهایت، از سال ۱۹۶۰ به بعد، کاوش‌های باستان‌شناسی توسط رودولف نومان و دیتريش هوف صورت گرفت که منجر به انتشار چندین کتاب و مقاله در مورد این محوطه شد (کلايس، ۱۳۸۳).

نتایج حاصل از کاوش‌ها در تخت سلیمان نشان می‌دهد که روند اصلی ساخت و ساز در این مجموعه به دو دوره ساسانی و ایلخانی باز می‌گردد، هرچند در ادوار میانی این دو دوره نیز سکونتگاه‌هایی به صورت ابتدایی در آن دیده می‌شود. طبق این کاوش‌ها، پیشینه ساخت و ساز در این منطقه به اواسط هزاره اول پیش از میلاد می‌رسد، اما هیچگاه تا دوره ساسانی از حد یک روستا با معیشت کشاورزی فراتر نرفته است. با روی کار آمدن ساسانیان، این محوطه به کانون توجه تبدیل شده و در آن ساخت و سازهای مختلفی ایجاد گردیده است. اوج این ساخت و سازها در طی قرن پنجم میلادی انجام شده است (هوف، ۱۳۶۸). این بنا یکی از وسیع‌ترین تاسیسات ساسانی

داد، و آن را گاهی با نام اردشیرخوره نیز می‌شناختند (تفضلی، ۱۳۶۶: ۳۴۵). این نام احتمالاً برگرفته از اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانی، بوده است. بر روی سکه‌ها و مهرهای ساسانی نیز نام گور و گاهی اردشیرخوره مشاهده می‌شود. طبق کارنامه اردشیر بابکان (فصل ۷ بند ۹ و ۸)، بنیان‌گذاری این شهر به اردشیر بابکان منسوب است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۳).

اطلاعاتی پیرامون این شهر و بناهای آن از سوی خاورشناسان و باستان‌شناسان قرن نوزدهم جمع‌آوری شده است. در سال ۱۸۱۱ میلادی، داری تودف از اعضای هیئت گوراوزلی از این محل دیدن کرد. در سال ۱۸۴۰ میلادی، فلاندن و کست تحقیقاتی جامع در مورد این شهر و آثار آن انجام دادند. همچنین در نیمه دوم سده نوزدهم، مسافرانی چون کیت اُبود (۱۸۵۰ میلادی)، استولزه (۱۸۷۵ میلادی)، استاک (۱۸۸۱ میلادی) و مادام دیولافوا از فیروزآباد و آثار آن دیدن کردند.

یکی از مهم‌ترین بناهای این شهر، کاخ اردشیر است که به دستور اردشیر بابکان در اواخر دوره اشکانی ساخته شد. این کاخ دارای ابعاد ۵۵×۱۰۴ متر یا ۵۶×۱۰۲ متر است و شامل دو قسمت عمده: کاخ پذیرایی و کاخ اختصاصی می‌شود (بی‌یر، ۱۳۸۳: ۲۷۳ و راوندی، ۱۳۸۲: ۷۶۰).

کاخ فیروزآباد نخستین بنای طاقدار و گنبددار دوره ساسانی است که با اسلوب معماری ایرانی و با استفاده از سنگ‌های نیمه‌تراشیده میخکی ساخته شده است (سامی، ۱۳۶۳: ۵). ساختمان کاخ از دو بخش اصلی تشکیل شده است که یک بخش آن برای پذیرایی و بخش دیگر برای مسکونی است (گذار، ۱۳۵۸: ۲۵۳). بخش شمالی بنا که بر بلندی واقع شده، بخش اداری یا عمومی مجموعه بوده است.

۳/۱/۷. تخت سلیمان

تخت سلیمان یکی از مهم‌ترین مراکز شهری دوره ساسانی به شمار می‌رود که به دلیل وجود آتشکده معروف آذرگشنسب، یکی از سه آتشکده مهم دوره ساسانی، از اهمیت سیاسی و مذهبی فراوانی برخوردار بوده است (کلايس، ۱۳۸۳). این مجموعه یک شهر-قلعه با حصاری تقریباً بیضی‌شکل است که از مصالح لاشه سنگ و ساروج ساخته شده. ضخامت دیوارهای آن حدود ۳۸۰ سانتی‌متر و ارتفاع آن به ۱۳ متر

است که تاکنون شناسایی و از زیر خاک بیرون آمده است (ناومان، ۱۳۸۲).

علاوه بر فضاهای ساخته شده در داخل حصار بیضی‌شکل شهر، در بیرون از حصار و روی اراضی شیب‌دار مجموعه نیز در گذشته بناهای مسکونی افراد عادی ساسانی قرار داشته که امروزه تنها بخشی از دیوارهای سنگی بناها و انبوهی از قطعات مختلف سفالی باقی مانده است. این بخش‌ها هنوز نیازمند کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی هستند (هوف، ۱۳۶۸).

با سقوط ساسانیان و روی کار آمدن دولت‌های اسلامی در ایران، تخت سلیمان که روزگاری یکی از کانون‌های مذهبی ایران به شمار می‌رفت، شکوه خود را از دست داد؛ ولی همچنان تا قرن چهارم هجری مورد احترام مردمان منطقه باقی ماند. تخت سلیمان مانند دارابگرد و مرو از تاریخی دیرینه برخوردار است. نخستین دوره‌های سکونت در آن به قبل از ساسانیان بازمی‌گردد، اما اوج شکوفایی و ساختمان‌سازی آن مربوط به دوره ساسانی است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

۴/۱/۷. مرو

مرو و تمدن باستانی آن در ساحل مرغاب (مرو رود) که از جبال غور در شمال غرب افغانستان سرچشمه می‌گیرد، واقع شده است. این منطقه، مانند هیرمند در سیستان، مجموعه وسیعی از استقرارهای باستانی در دلتای این رودخانه و نه‌رهای فراوان آن به وجود آورده است. علاوه بر حاصلخیزی و آبادانی، مرو به دلیل موقعیت استراتژیک خاص خود، پل ارتباطی اقوام مختلف آسیای میانه و اقوام داخل فلات ایران به شمار می‌رفته است. قرار گرفتن این شهر در کنار جاده ابریشم، اهمیت و ثروت آن را دوچندان کرده بود و به دلیل اینکه مرز بین اقوام مهاجم آسیای میانه و اقوام ایرانی بود، از اهمیت نظامی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. چنان که بیشتر برخوردهای نظامی هخامنشیان و ساسانیان در این محل رخ داده است. مهم‌ترین عامل توسعه شهرنشینی در این منطقه، توسعه سیستم آبیاری، ایجاد سدها و نه‌رهای فراوان در ناحیه و خاک حاصلخیز آن بود. همچنین، تجارت و شاهراه ارتباطی این منطقه با شرق و غرب و جنوب از دیگر عوامل مهم توسعه مرو به شمار می‌روند. در این دوره، شهرنشینی و ایجاد مناطق جدید به‌طور افقی در دلتای مرو گسترش یافت (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۲۵).

مرو در دوره‌های مختلف تاریخی خود شکل خاصی داشته است؛ به‌طوری که در دوره سلوکیان به شکل هیپوداموس و در دوره‌های اشکانی و ساسانی به‌صورت دایره‌ای طراحی شده بود. البته در ادوار مختلف تاریخی، این دو نوع طراحی گاهی به‌طور توأمان در کنار هم استفاده شده و بناهای خارج از حصار نیز ساخته شده است.

۸. شهرهای مستطیل‌شکل (هیپوداموسی)

۱/۸. بیشاپور

در مورد نام بیشاپور، طاووسی بر این باور است که واژه ابتدایی آن «بی‌شاپور» بوده است که جزء «بی» به معنای «بغ»، «مغ»، «بگ» و «بیگ» به کار رفته و به معنای «بزرگ»، «خداوندگار» و «شاه» است. در گذر زمان این واژه به «بیشاپور» تبدیل شده و به معنای «شاپور بزرگ» یا «خداوندگار شاپور» تفسیر شده است (مظفریان، ۱۳۷۳). البته می‌توان «وه» یا همان «بی» آرامی را به معنای «خانه» و «زندگی» نیز در نظر گرفت. در این صورت، واژه «بیشاپور» به معنای «سرای شاپور» خواهد بود و اگر «وه» را به معنای «نیک» ترجمه کنیم (موسوی حاجی، ۱۳۸۲)، شهر بیشاپور را می‌توان «کارهای نیک شاپور» نیز معنا کرد (سرفراز، ۱۳۶۶؛ سعیدیان، ۱۳۶۲).

از لحاظ کیفیت، بیشاپور آبادترین و خرم‌ترین ولایت فارس به‌شمار می‌رفته است (شوارتس، ۱۳۸۲). این شهر در کنار جاده‌ای احداث شده بود که از یک‌سو به بین‌النهرین، شوش و تیسفون، و از سوی دیگر به فیروزآباد، اصطخر و خلیج فارس راه می‌یافت (گریشمن، ۱۳۷۹). این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقتصادی مناسب در عهد باستان به‌عنوان چهارراهی تجاری و نظامی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است (کیانی، ۱۳۷۰). منابع آبی شهر از طریق رودخانه‌ای تأمین می‌شد که در کنار شهر جریان داشت و افزون بر تأمین آب کشاورزی، حیات اقتصادی منطقه نیز بدان وابسته بود (گلچین، ۱۳۸۸). همچنین قنات‌ها و چشمه‌ها نیز در تأمین آب شهر نقش داشته‌اند. بنا بر گزارش مورخان و جغرافی‌دانان، بیشاپور شهری حاصلخیز با محصولات زراعی فراوان بوده است (مظفریان، ۱۳۷۳).

ساخت این شهر در زمان شاپور اول و به تقلید از اقدامات پدرش، اردشیر بابکان، صورت گرفته است (سرفراز، ۱۳۶۶).

دروازه شهر بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱). دروازه اصلی در ضلع غربی شهر واقع شده و امروزه نیز بقایای آن برجای مانده است (گریشمن، ۱۳۷۹). نقشه شهر از شبکه‌ای با خیابان‌های موازی و عمود بر یکدیگر تشکیل شده که محلات منظم و مستطیلی شکل را در بر می‌گرفته‌اند (هوف، ۱۳۶۵).

بیشاپور بیانی از قدرت و جلال شاهنشاه ساسانی بوده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۲۸). هر یک از شهرهای ساسانی با توجه به اهداف خاصی شکل گرفته‌اند. در این میان، شاید بتوان بیشاپور را استثنا دانست؛ زیرا این شهر جلوه‌گاه شکوه و عظمت شاپور و بیانگر ثروت، اقتدار و پیروزی‌های او در جنگ با رومیان و نماد تسلط او بر جهان آن روزگار بود. بیشاپور شهری پرتجمل با کاخ‌ها، باغ‌ها و حرم‌سراها بود که شاپور هرگاه از گرمای تیسفون و مسائل سیاسی آن خسته می‌شد، در این محل به استراحت می‌پرداخت.

۲/۸. جندی‌شاپور

جندی‌شاپور یا جندی‌شاپور یکی از مهم‌ترین شهرهای دوره ساسانی به‌شمار می‌رود که به فرمان شاپور اول احداث شد. این شهر در خوزستان، در شرق شوش، جنوب شرقی دزفول و شمال غربی شوشتر، در محل دهکده کنونی شاه‌آباد واقع شده است (دبیری‌نژاد، ۱۳۵۱: ۷). نام این شهر در متون دوره ساسانی به کرات با صورت «جندی‌شاپور» آمده است که این شیوه نام‌گذاری در آن دوره کاملاً رایج بوده است.

با در نظر داشتن این نکته که شهر یادشده چند نام داشته، می‌توان چنین برداشت کرد که پیش از بازسازی در دوره شاپور، به‌عنوان ناحیه‌ای مسکونی وجود داشته است (اشپولر، ۱۳۶۴: ۱۶). شاپور اول در آغاز دستور طراحی نقشه شهر را صادر کرده و سپس هزینه ساخت آن را تعیین نمود (مشکور، ۱۳۶۳: ۳۹). شواهد نشان می‌دهند که در ساختار شهری جندی‌شاپور نیز، همانند بیشاپور، از نقشه‌ای مستطیل شکل بهره گرفته شده و شهر به‌صورت شطرنجی شبکه‌بندی شده است. این الگو نه تنها با شهرهای رومی شباهت دارد، بلکه شاید به‌منظور اسکان اسرای رومی و حتی با مشارکت آنان در ساخت، طراحی شده باشد (وزیری، ۱۳۳۷: ۱۳۴).

شاپور، گروه زیادی از پیشه‌وران و صنعت‌گران مسیحی را از انطاکیه به این شهر منتقل کرد و در نتیجه، جندی‌شاپور

بیشاپور از معدود شهرهایی است که دارای تاریخ مکتوب مربوط به زمان ساخت و بنیان‌گذاری خود است. اگرچه در کتیبه‌ها نام شهر ذکر نشده، اما بر پایه مدارک و شواهد باستان‌شناختی مربوط به زمان احداث یا پس از آن، وجود شهر تأیید شده است. بر روی سکه‌های به‌دست آمده از این شهر، صورت اختصاری BYS نشان از وجود ضربخانه‌ای در بیشاپور دارد. به‌نظر می‌رسد که از زمان بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ میلادی) برای نخستین بار، نام بیشاپور بر روی سکه‌ها درج شده است (گریشمن، ۱۳۷۹). همچنین در دوره حکومت شاهانی چون پیروز (۴۵۱-۴۸۵ میلادی)، خسرو اول (۵۷۹-۵۷۳ میلادی)، خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ میلادی) و یزدگرد سوم (۶۳۳-۶۴۲ میلادی)، سکه‌هایی در این شهر ضرب می‌شده است (سرفراز، ۱۳۶۶). افزون بر این، مهرهایی از این شهر به‌دست آمده که توسط گریشمن مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و بر یکی از این مهرها، واژه BIS در وسط و نام کامل شهر BISHPUHR حک شده است (گریشمن، ۱۳۷۹).

شهر بیشاپور بر پایه اصول سنن غربی (رومی) که توسط هیپوداموس بنیان نهاده شده بود، ساخته شده و نقشه‌ای مستطیلی شکل دارد که در هماهنگی با وضعیت طبیعی زمین طراحی شده است (گریشمن، ۱۳۷۲: ۳۸۶). هرچند معماری این شهر با الگوی رومی تطابق دارد، اما عمیقاً با سنن ملی ایران که از عصر اشکانی رایج بود نیز پیوند دارد. شاپور اول، شهر محبوب خود را در محلی بنا کرد که رودخانه شاپور پس از عبور از دره، وارد دشت می‌شد (هرمان، ۱۳۷۳). این شهر پایتخت و مرکز ایالت شاپور خوره به‌شمار می‌رفته است (حسینی فسایی، ۱۳۷۸) و مهم‌ترین اقامتگاه شاپور در فارس بود. او در دوران زمامداری‌اش توجه ویژه‌ای به این فضا داشته است. بیشاپور که نماد شکوه، قدرت و جلال پادشاهی بود، سنت‌های عصر هخامنشی را در تاریخ شهرسازی ایران احیا می‌کند (گریشمن، ۱۳۷۸). نقشه شهر مستطیلی شکل است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰) و دارای حدود دو کیلومتر طول و یک کیلومتر عرض بوده و مهم‌ترین شهر شاپور در فارس محسوب می‌شده است (مظفریان، ۱۳۷۳؛ ویستهورف، ۱۳۷۷). به‌دلیل به‌کارگیری اسیران رومی در ساخت شهر، الگوهایی از شهرسازی رومی نیز در آن تداعی می‌شود (فرشاد، ۱۳۶۲). شهر دارای چهار دروازه با نام‌های دروازه بهرام، مهر، هرمز و

نیز بازرگانان آن را با نام‌های «شیلاو»، «شیلاف» و «سیراف» یاد کرده‌اند.

سیراف یکی از پرجمعیت‌ترین و آبادترین شهرهای اردشیرخُره و ایالت پنج‌گانه فارس بود. اگرچه امروزه بافت دوره ساسانی آن با ساخت‌وسازهای اسلامی پوشیده شده است، اما یکی از آثار شاخص ساسانی در این شهر، قلعه‌ای است که ساختاری مشابه قلعه‌های دوره ساسانی مانند درامیدا، بلدسینجر و سینگارا دارد. ممکن است این دژ توسط مهندسانی ساخته شده باشد که در سال ۳۶۰ میلادی، پس از تسخیر شهر سینگارا به دست شاپور دوم، به ایران کوچ داده شده‌اند (خسروزاده، ۱۳۷۷).

نظر به اهمیت دریانوردی این شهر، نخستین پژوهش‌های باستان‌شناسی آن به اوایل سده نوزدهم میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که جیمز موریه اطلاعاتی درباره آن منتشر کرد. در سال ۱۹۳۳ میلادی، اشتین برای نخستین بار کاوش‌های باستان‌شناسی را در این محوطه آغاز کرد. با این حال، کاوش‌های اصلی طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ میلادی توسط هیئت بریتانیایی به سرپرستی دیوید وایت‌هاوس انجام شد. بر پایه این کاوش‌ها روشن شد که سنگ بنای سیراف در دوره ساسانی نهاده شده، اما اوج رونق آن به قرون دوم تا چهارم هجری بازمی‌گردد. در این دوره، بافت شهری سیراف به صورت شطرنجی و از سنگ و ساروج، با خانه‌های چندطبقه ساخته شده بود (سمسار، ۱۳۵۲).

در جریان این کاوش‌ها، فضاهایی چون خانه‌های مسکونی اعیانی با چندین بخش، بازار، مسجد، کارگاه‌های سفالگری و... شناسایی شد که اغلب متعلق به قرون اولیه اسلامی‌اند. با این حال، در زیر لایه‌های مسجد کاوش شده، بقایایی از دوره ساسانی مشاهده شده که شامل یک درگاه ورودی قلعه‌مانند با دو برج نیم‌دایره در طرفین و برج‌هایی در انتهای اضلاع قلعه است که ساختاری مربع‌شکل با چهار برج در هر گوشه را پدید می‌آورد.

بر اساس یافته‌های وایت‌هاوس، آثار زیر در سیراف شناسایی شده‌اند: ۱. محوطه دژ ساسانی؛ ۲. جایگاهی با ساختار کاخ‌مانند؛ ۳. مسجد، بارو و دیگر ساختمان‌های ساحلی؛ ۴. مجموعه دفاعی در بخش غربی شهر؛ ۵. بنایی شبیه به کاخ؛ ۶. گورستان باستانی (وایت‌هاوس، ۱۳۵۳). از مهم‌ترین آثار

به سرعت به مرکزی علمی و فرهنگی بدل شد که حتی در زمینه تولید ابریشم ایرانی نیز شهرت جهانی یافت (یوزف، ۱۳۷۷: ۲۰۳). این شهر در پایان سلطنت شاپور اول، در سراسر دوره سی ساله سلطنت شاپور دوم و همچنین در دوره انوشیروان، در اوج شکوفایی و رونق قرار داشت، اما با حمله اعراب به ایران بخشی از آبادانی خود را از دست داد و دچار ویرانی شد.

ویرانه‌های جندی‌شاپور که نشان‌دهنده عظمت و شکوه این شهر در دوره ساسانی هستند، از دیرباز مورد توجه سیاحان، جهانگردان و باستان‌شناسان قرار گرفته‌اند. از جمله دیولافوا، سر اورل استین، راولینسون و دیگر پژوهشگران از محل این شهر بازدید کرده و توضیحاتی درباره موقعیت و ویرانه‌های آن ارائه داده‌اند. با این حال، با توجه به وسعت و اهمیت تاریخی شهر، پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در آن بسیار محدود بوده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به بررسی‌های باستان‌شناسی و چند ترانسه آزمایشی اشاره کرد که توسط آدامز در چند نقطه از شهر انجام شده است. این ترانسه‌های محدود تنها اطلاعاتی بسیار ابتدایی درباره ویژگی‌های شهر ارائه داده‌اند. آدامز همچنین با همکاری هانسن در سال ۱۹۶۸ میلادی، مطالعاتی نسبتاً کامل درباره سیستم آبرسانی شهر، به‌ویژه از طریق پل‌بندی نزدیک شهر دزفول، انجام داد (Adams & Hansen, 1968).

۸/۳. سیراف

بندر تاریخی و بسیار مهم سیراف در ۳۰۰ کیلومتری شمال‌غربی بندرعباس، ۲۳۰ کیلومتری جنوب‌شرقی بوشهر، ۳۵ کیلومتری جنوب‌شرقی کنگان و در ساحل خلیج فارس قرار داشته است. امروزه نیز آثار این شهر پابرجا است. بندر سیراف در باریکه‌ای به طول چهار کیلومتر و عرض حدود ۷۰۰ متر بین دریا و کوه واقع شده است (اسماعیلی جلودار، ۱۳۹۰: ۲۸۷). زمان دقیق تأسیس این بندر و اوج‌گیری اهمیت آن روشن نیست، اما بدون تردید از دوره ساسانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. احتمالاً سیراف در زمان اردشیر بابکان بنیان‌گذاری شده، اما در دوره شاپور دوم به شکوفایی رسیده است (همان، ۲۸۷).

نام اولیه این بندر، «اردشیرآب» بوده که در گذر زمان به «شیرآب»، «سیلاب» و «شیراو» تغییر یافته و در متون اسلامی

شهری است. همچنین، بر پایه گزارش‌های متون، آتشکده‌ای نیز در کهندژ قرار داشته که کارکرد دینی شهر را تأمین می‌کرد. افزون بر آن، نیشابور در مقام یک مرکز، پیوسته در ارتباط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با پیرامون خود بوده است. از جمله دلایل اهمیت این شهر در دوره ساسانی و بنیان‌گذاری آن، می‌توان به موقعیت سوق‌الجیشی منطقه اشاره کرد که در نیمه شمال شرقی ایران و همجوار با سرزمین اقوام بیابان‌گرد قرار داشته است؛ اقوامی که به‌طور مداوم به خراسان یورش می‌بردند. همچنین، نزدیکی یکی از سه آتشکده معروف ساسانی، به نام آتشکده کشاورزان یا آذر برزین مهر، بدون تردید سبب رونق بیشتر این منطقه می‌شده است (کریستین‌سن، ۱۳۷۴: ۲۴۳).

نظر به اهمیت و جایگاه نیشابور در ادوار مختلف ساسانی و اسلامی، پیشینه کاوش‌های باستان‌شناسی آن به دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی بازمی‌گردد. در آن زمان، هیئت‌ی به سرپرستی والتر هاووزر، ژرف‌آپتن و چالرز ویلکینسون، افزون بر کاوش در نقاط مختلف شهر اسلامی نیشابور، به کاوش پنج گمانه در تپه کهندژ پرداختند.

نتایج این کاوش‌ها در ده شماره از بولتن‌های موزه هنر متروپولیتن بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۶۱ منتشر شد. گزارش کامل این پژوهش‌ها نیز در قالب سه کتاب درباره سفال نیشابور، معماری و تزیینات، و شیشه منتشر گردیده است. با اینکه بسیاری از ترانسه‌های ویلکینسون و همکارانش، طبق شواهد امروزی، لایه‌های استقراری پیش از اسلام را نیز پیموده‌اند، اما او صراحتاً اعلام کرده که شهر نیشابور دوره ساسانی را باید در نقطه‌ای غیر از تپه کهندژ یا آلب‌ارسلان جست‌وجو کرد (لباف‌خانیک، ۱۳۹۱: ۳۳۸).

در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ میلادی، هیئت مشترک ایران و فرانسه به سرپرستی رجبعلی لباف‌خانیک و مونیک کروران، کشفیات قابل‌توجهی در ارتباط با دوره استقرار ساسانی داشته‌اند. بر پایه نتایج این کاوش‌ها، ساختار شهر نیشابور در دوره ساسانی از یک کهندژ در مرکز شهر، با سکویی خشتی به ارتفاع حدود ۸ متر و حصاری به ضخامت ۵ متر، تشکیل می‌شده است. دروازه ورودی شهر در جانب جنوبی کهندژ قرار داشته و حصاری بزرگ و نامنظم، تقریباً به‌صورت دایره‌ای، کل شهر را در بر می‌گرفته است. درون این حصار، ساختارهایی

ساسانی در سیراف، دژ ساسانی زیر بنای مسجد بزرگ امروزی است. ساختمان این دژ، مربع‌شکل است و کاوش‌های لایه‌نگاری حاکی از وجود سفالینه‌ها و معماری ساسانی در لایه‌های زیرین اسلامی است. همچنین کشف سکه‌های ساسانی در هشت محوطه کاوش‌شده، وجود یک لایه ساسانی را در تاریخ این بندر تأیید می‌کند (قاسم‌بگلو، ۱۳۸۵: ۲۱).

۴/۸. نیشابور

نیشابور را به عربی «نیشاپور» می‌گویند و طبق نوشته جغرافی‌دانان قدیم، این واژه به معنای «نیوشاه‌پور» یعنی «کار خوب شاپور» یا «جای خوب شاه‌پور» است. بنا بر شواهد متون تاریخی، بانی این شهر شاپور اول، فرزند اردشیر، بوده است؛ اما شاپور دوم نیز به تجدید بنای آن پرداخت و به همین مناسبت، «نیوشاپور» یا «نیشاپور» به وی منسوب شده است. به موجب مندرجات بخش پانزدهم کتاب پهلوی موسوم به شهرستان‌های ایران‌شهر، شاپور در خراسان با پادشاهی تورانی به نام «پهلپیک» جنگ کرد و او را مغلوب و مقتول ساخت. از این‌رو، در محلی که این نبرد روی داده بود، شهر مستحکم «نیوشاه‌پور» (شاپور خوب یا نیشابور فعلی) را احداث کرد که به کرسی ولایت ابرشهر تبدیل شد. عریان نیز می‌نویسد: «شاپور این شهر را در محل پیروزی بر پهل‌چک تور بنا نهاده است» (عریان، ۱۳۶۱: ۶۵).

نقشه شهر نیشابور در دوره ساسانی، از منطقه‌ای مستطیل‌شکل به نام شهرستان تشکیل یافته بود که کهندژی مدور و سر به فلک کشیده در شمال آن قرار داشت. در واقع، حصار شهر برای سکونت شهرنشینان و کهندژ یا ارگ برای مقر رسمی مقامات دولتی طراحی شده بود (هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۲).

شواهد باستان‌شناختی در نیشابور دوره ساسانی، حاکی از توسعه اقتصادی این شهر در اواسط دوره ساسانی است. یکی از نکات قابل‌توجه درباره نیشابور، مرکز ضرب سکه بودن آن است. اطلاعات حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که شهر دارای کهندژ بوده و ارگ حکومتی در داخل آن قرار داشته است. خیابان‌های داخل کهندژ به‌صورت متقاطع و عمود بر یکدیگر طراحی شده و کهندژ با حصاری مضاعف احاطه شده بود. خندقی نیز دورتادور آن را فرا گرفته بود. این داده‌ها گویای تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در این مرکز

تخت جمشید مشغول بود، این محوطه نیز مجدداً مورد بررسی و حفاری قرار گرفت (تجویدی، ۱۳۵۵: ۵۵).

با استناد به برخی متون تاریخی، از جمله کتاب شهرستان‌های ایران شهر، این احتمال وجود دارد که اصطخر در زمان اردوان از پادشاهان اشکانی ساخته شده باشد (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۱۴۳). با این حال، تا آغاز دوره ساسانی، هیچ‌گونه شواهد یا منابع تاریخی که اشاره‌ای هرچند مختصر به این شهر داشته باشد، در دست نیست.

در هر صورت، می‌توان تأسیس امپراتوری ساسانی را نقطه آغاز شکوفایی و اوج‌گیری شهر اصطخر دانست. در این دوره، اصطخر به منزله خانه سنتی ساسانیان درآمد و از این زمان به بعد، شواهد فراوانی در خصوص این شهر در منابع و متون وجود دارد (لوکونین، ۱۳۷۲: ۴۰). از همین رو، می‌توان گفت که از آغاز شکل‌گیری دودمان ساسانی، همواره این شهر مورد توجه حاکمان بوده و به رشد و گسترش قابل‌ملاحظه‌ای دست یافته است.

با این وجود، با تأسیس شهر بیشاپور در زمان شاپور اول و سپس انتقال پایتخت به تیسفون، از اهمیت شهر اصطخر به‌عنوان مرکز حکومتی کاسته شد (ویسهوفر، ۱۳۸۶). طی کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده، یکی از نخستین آثار ساسانی شناسایی شده در اصطخر، حصار شهر با برج‌های دایره‌ای شکل در بخش جنوب‌شرقی محوطه است که با مصالح خشت خام ساخته شده‌اند (Whitcomb, 1976: 99).

۹/۲. تیسفون

در ۳۵ کیلومتری جنوب‌شرقی بغداد، در کناره رود دجله، سه پایتخت باستانی ایران واقع شده‌اند. این ناحیه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان باستان محسوب می‌شود که شهرها و پایتخت‌های متعددی در آن شکل گرفته‌اند. بابل، سلوکیه، تیسفون و بغداد از جمله شهرهایی هستند که پادشاهان بزرگ بسیاری در آن پرورش یافته‌اند و هرکدام نقشی انکارناپذیر در تاریخ و تمدن بشری ایفا کرده‌اند.

تیسفون بزرگ‌ترین شهر از مجموعه‌ای از آبادی‌ها بود که مجموع آن‌ها را در زبان سریانی ماحوزا (شهرها) می‌نامیدند و گاه نیز ماحوزا ملکا (شهرهای شاهی) یا مدینا می‌گفتند.

چون بناهای مسکونی قرار داشته‌اند. از دیگر دستاوردهای مهم این کاوش‌ها، شناسایی دروازه شمال‌شرقی کهندژ است که بنا بر مطالعات مقایسه‌ای، شباهت‌های بسیاری با سازه‌های معماری دوره ساسانی چون مداین، ایوان کرخه و تخت سلیمان دارد (لباف‌خانیکی، بی‌تا: ۱۳).

۹. شهرهای نامنظم

۹/۱. اصطخر

این شهر با ارتفاع ۱۶۴۲ متر از سطح دریا، در حاشیه شرقی دشت مرو دشت، در هفت کیلومتری شمال تخت جمشید و ۱۶ کیلومتری شمال‌شرقی شهر مرو دشت قرار دارد (Kleiss, 1994: 166). بقایای این شهر، که امروزه به شکلی بیضوی و تقریباً نامنظم باقی مانده، حدود ۷۰ هکتار وسعت دارد. نام اصطخر نخستین بار در سنگ‌نوشته پهلوی شاپور سکاانشاه، که بر جرز سنگی ایوان جنوبی کاخ تچر تخت جمشید نقش بسته، ثبت شده است.

متأسفانه امروزه در سطح محوطه، به‌جز بقایای معدودی از آثار معماری مربوط به دوره ساسانی و اسلامی، از جمله بقایای مسجد قدیمی آن، آثار چشمگیر دیگری مشاهده نمی‌شود؛ هرچند که در سطح محوطه، انبوهی از سفالینه‌های متعلق به ادوار مختلف تاریخی به چشم می‌خورد (Schmidt, 1939: 107). اصطخر در دوره ساسانیان نقشی مشابه تخت جمشید در دوره هخامنشی ایفا می‌کرد. همان‌گونه که در دوره هخامنشی، شهرهایی مانند شوش، همدان و بابل از نظر اداری از تخت جمشید اهمیت بیشتری داشتند، در دوره ساسانی نیز، شهرهایی مانند بیشاپور و تیسفون از نظر اداری بر اصطخر برتری داشتند. با این حال، به‌دلیل آنکه اصطخر خاستگاه دودمان ساسانی به شمار می‌رفت، اهمیت نمادین و سمبلیک خود را تا پایان این سلسله حفظ کرد (Ibid).

با توجه به اهمیت این شهر، پیشینه کاوش‌های باستان‌شناسی آن به دهه ۱۹۳۰ میلادی بازمی‌گردد. در این دوران، همزمان با کاوش‌های تخت جمشید، این محوطه نیز توسط پژوهشگرانی چون ارنست هرتسفلد و اریک اشمیت مورد حفاری قرار گرفت (Whitcomb, 1976: 363). همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۷ شمسی، زمانی که اکبر تجویدی به کاوش در

عرضی ساخته شده است. تقارن در این کاخ به خوبی رعایت شده و طاق آهنگ آن از ارتفاع ۱۴ متری آغاز می شود. بر تمامی سطوح بنا سوراخ هایی تعبیه شده که به وسیله حلقه های سفالین ایجاد شده اند. فضای داخلی تالار با گچ بری و نقاشی تزئین شده بود. دیوارهای درونی با مرمرهای رنگی و موزاییک های شیشه ای تزیین شده و صحنه هایی چون نبردهای شاهانه را به تصویر می کشیدند؛ از جمله صحنه ای که خسرو بر اسب زردرنگی در شهر بندان انطاکیه دیده می شود (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۷۶). ایوان تنها یک دهانه باز و عظیم نبود، بلکه با پرده ای سنگین و زربفت پوشانده می شد. نمای این کاخ یادآور کاخ های عظیم دوران اشکانی، به ویژه در آشور، است.

۹/۴. قصر شیرین

قصر شیرین نخستین شهر ایرانی در مسیر جاده بغداد - تهران به شمار می رود که به سبب وجود آثار باستانی، اهمیت ویژه ای دارد. بناهای تاریخی این شهر، از جمله ابنیه خصوصی و رسمی (عمارت خسرو)، اداری (بان قلعه)، مذهبی (چهارقاپی)، خدماتی (سیستم آبرسانی) و نظامی (قلعه گبری سیدحاتم و...) از آخرین و بزرگ ترین سازه های دوره ساسانی محسوب می شوند (هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۶-۱۸۷). پراکندگی این بناها، آن را از شکل سنتی یک شهر خارج کرده و بر این اساس، برخی آن را مجموعه ای سلطنتی یا نظامی - اداری دانسته اند.

بر پایه توصیف جغرافی نگاران سده چهارم، قصر شیرین شهری زیبا بوده است (ابودلف، ۱۳۵۴: ۵۸). این شهر در حافظة فرهنگی ایرانیان به صورت افسانه نقش بسته است. نام آن از ترکیب «قصر» و «شیرین» گرفته شده که مقصود از قصر، کاخ خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م) و شیرین، همسر ارمنی او بوده است. طرح کلی عمارت خسرو بسیار بزرگ بوده و بنایی به طول ۳۷۲ متر و عرض ۱۹۰ متر را شامل می شده که درون پارکی سلطنتی قرار داشته است. در طرفین ایوان کوچک حیاط، اتاق هایی متقارن قرار داشت که به دو ایوان در حیاط غربی گشوده می شدند. در دو سوی هر یک از این دو حیاط، مجموعه ای از اتاق ها به صورت قرینه قرار داشتند که به عنوان حریم خصوصی خسرو عمل می کردند (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۴۰۴). همچنین، بنای مذهبی زیبایی به نام چهارقاپی در این مجموعه وجود داشته که معبدی برای ساکنان کاخ

همین واژه در زبان عربی به صورت «المدائن» درآمده است (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۷۵).

در قرن پایانی حکومت ساسانی، مدائن شامل هفت شهر بود که مورخان عرب و ایرانی تعداد آن ها را به طور متفاوت ذکر کرده اند. این هفت شهر در دو سوی رود دجله، در نزدیکی یکدیگر قرار داشتند. البته این هفت شهر همیشه به صورت هم زمان آباد نبوده اند، بلکه شهرهای جدیدی بر خرابه های شهرهای پیشین ساخته می شده اند.

شهر تیسفون بسیار وسیع بود و کوچه های آن سنگ فرش شده بود. در کنار هر خانه، آغل هایی برای نگهداری چارپایان وجود داشت. بازار شهر بسیار بزرگ بود و بازرگانان و سوداگران بسیاری، از جمله یهودیان، در آن فعالیت داشتند و همین امر سبب شده بود که تیسفون به شهری ثروتمند و پرجمعیت تبدیل شود (سامی، ۱۳۵۵: ۲۹-۳۰). این شهر همچنین مرکز عیسویان ایران و مقر جاثلیق محسوب می شد (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

۹/۳. اسپانبر

کاخ و ایوان کسری، مشهورترین بنای تیسفون، در متون با نام های مختلفی چون ایوان مدائن، طاق کسری، ایوان کسری، تخت کسری، بارگاه خسرو اول و طاق مدائن یاد شده است. این بنای باشکوه و عظیم در مشرق دجله و در محله اسپانبر قرار داشت؛ جایی که بعدها سلمان فارسی در شمال شرق آن مدفون شد. مسعودی ساخت ایوان کسری را به شاپور دوم نسبت می دهد، اما تکمیل قسمت هایی از آن را به خسرو پرویز، فرزند هرمز، نسبت می دهد (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۵۴). با توجه به کثرت روایات و شواهد باستان شناختی، به نظر می رسد که کاخ و ایوان بلند کسری از ساخته های خسرو انوشیروان باشد. ایوان خسرو، عظیم ترین بنایی است که پس از آبادانای تخت جمشید به یادگار مانده است.

این کاخ و مجموعه تأسیسات آن در زمینی به ابعاد ۴۰۰ در ۳۰۰ متر قرار داشت. دهانه طاق ۲۵/۶۵ متر، طول آن ۵۰ متر و ارتفاع داخلی طاق از کف اصلی ۳۰ متر است. بنای کاخ کسری مستطیل شکل و به ابعاد ۱۰۵ در ۱۲۰ متر است. درون کاخ به سه بخش قابل تفکیک است: بخش پیشین (ایوان)، بخش پسین که طولی است، و بخش میانی که به صورت

به‌شمار می‌رفته و در نزدیکی کاخ خسرو قرار داشته است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

۵/۹. رام‌شهرستان

رام‌شهرستان یا ابرشهر قدیمی‌ترین شهر شناخته‌شده در منطقه سیستم در منابع زبان پهلوی ساسانی و دوره اسلامی است. در اوستا، واژه «رام» یا «رامَن» به معنای آرامش و ایزد هواست که با نام‌هایی چون «ویو» و «وای وه» نیز شناخته می‌شود (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۹۹۰). در دوره ساسانی، شهرها و آبادی‌های متعددی در سیستم رونق داشتند؛ به‌طوری‌که حضور شاهزادگان ساسانی با لقب سکانشاه در این منطقه، به همراه وجود منابع آبی فراوان، زمین حاصل‌خیز و جمعیت بالا، ضرورت احداث شهرهای متعدد را ایجاب می‌کرد.

رام‌شهرستان یکی از مهم‌ترین شهرهای دوره ساسانی در سیستم است که در زمره شهرهای نامنظم آن دوران طبقه‌بندی می‌شود. مورخانی چون جیهانی به اهمیت این شهر در دوره‌های باستانی و اسلامی اشاره کرده‌اند.

۱۰. اثرگذاری و تأثیرپذیری شهرهای ساسانی در فنون و ساختار شهرسازی

دو مقوله مهم اثرگذاری و تأثیرپذیری، از ویژگی‌های بارز و برجسته شهرهای عصر ساسانی به‌شمار می‌آید. همان‌گونه که در پژوهش حاضر ذکر شد، ساسانیان بسته به سیاست‌های امپراتوران وقت و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، تصمیماتی را در زمینه ساخت شهرهایی با کارکردهای دفاعی، نظامی و مرکزگرا اتخاذ می‌کردند. از آنجا که تداوم قدرت در دست شاهان ساسانی همواره پایدار نبود، وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر دوره تأثیر چشمگیری بر تحولات درونی شهرها و وضعیت معیشتی مردم آن دوران داشت.

به‌عبارت دیگر، می‌توان عامل تأثیرپذیری شهرهای ساسانی را از یک‌سو ناشی از شرایط داخلی قلمداد کرد، و از سوی دیگر، این تأثیر را در الگوگیری از دولت‌های قدرتمند هم‌عصر همچون امپراتوری روم جست‌وجو نمود. گذشته از موارد مرتبط با جنگ و تقابل نظامی، نظیر نبرد معروف شاپور اول و والرین، که منجر به انتقال دانش فنی اسرای رومی در ساخت شهر بیشاپور شد، نیاز جامعه هنری و معماری ایران به شناخت

تازه‌ترین فنون شهرسازی و معماری روز و تلفیق آن با هنر بومی شهرسازی، نقشی اساسی در ارتقای کیفیت شهرسازی ساسانیان ایفا نمود (گیریشمن، ۱۳۷۲: ۳۸۶).

در عین حال، یکی دیگر از مسائل مهم در بطن هنر شهرسازی ساسانیان، مقوله تداوم و تحول این سنت معماری در شهرسازی دوران اسلامی است. میزان تأثیرپذیری شهرهای اسلامی از ساختار فضایی و سازمان شهری عصر ساسانی به‌گونه‌ای است که شهرهایی مانند بیشاپور، سیراف، تیسفون، دارابگرد و شهرهای خراسان بزرگ، تأثیر ژرفی بر سبک، ساماندهی و مدیریت شهرهای اسلامی بر جای گذاشتند. به‌عنوان نمونه، پایه‌گذاری و تقسیم‌بندی شهرهای اسلامی بر اساس تعداد دروازه‌ها، جایگاه مرکزی کاخ‌ها، چیدمان مساجد و جایگزینی آنها با آتشکده‌ها، از جمله مواردی است که نمود عینی آن را می‌توان به‌روشنی در بندر سیراف و شهر بیشاپور مشاهده کرد.

۱۱. نتیجه‌گیری

دوره قدرت‌گیری تا افول سلسله ساسانی را می‌توان یکی از درخشان‌ترین مقاطع تاریخ ایران باستان در زمینه توجه به امر شهرسازی و شکل‌گیری فضاهای شهری دانست. انقلابی که در عرصه شهرسازی در این عصر رخ داد، برخاسته از مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی بود که هر دو ناشی از نیازها و روح حاکم بر دوران ساسانی به‌شمار می‌رفتند. ساخت شهرها از همان آغاز تأسیس این سلسله، با اهداف امنیتی و نظامی پیوندی تنگاتنگ داشت، چنان‌که ایجاد دژها و قلاع مستحکم در اطراف شهرهای اصلی، تضمینی برای ثبات، امنیت، و حفظ ایران‌شهر از تهدیدات خارجی محسوب می‌شد.

بنابراین می‌توان گفت که در شکل‌گیری شهرها و فضاهای شهری ساسانی، عوامل متعددی همچون نیازهای دفاعی - نظامی، باورهای مذهبی و اعتقادی، اهداف سیاسی، کارکردهای اداری، و نقش‌های تجاری و بازرگانی نقش مستقیم داشتند. ارکان اصلی هر شهر، متناسب با جایگاه آن و ویژگی‌های اقلیمی، به‌دست حاکمان محلی طراحی و ساخته می‌شد. همچنین، همان‌طور که در این پژوهش اشاره شد، برخی شهرهای ساسانی از نظر طرح‌ریزی کالبدی، اشکال مشخصی چون مدور، مستطیلی (به شیوه هیپوداموسی) یا

افسر، کرامت‌الله (۱۳۶۵). شهر شیراز. در محمدیوسف کیانی (ویراستار)، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران (صص ۱۱۲-۱۳۰). تهران: نشر هما.

آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). کتاب ایران (با ویراستاری ایرج مهدوی و همکاران). تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
بروغنی، حسین (۱۳۷۷). عمران و شهرسازی در دوره ساسانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
بهرامی، اکرم (۱۳۵۶). شهرهای ساسانی. بررسی‌های تاریخی، ۷۰، ۲۱۳-۲۶۰.

بوسایلی، ماریو و شرآتو، امبرتو (۱۳۸۳). تاریخ هنر ایران (جلد ۲، ترجمه یعقوب آژند). تهران: نشر مولی.
پیگلوسکیا، ان (۱۳۷۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان (ترجمه عنایت‌الله رضا). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بی‌یر، لیونل (۱۳۸۳). دورنمایی از کاخ‌های ساسانیان. اثر، ۳۶-۳۷، ۲۷۸-۲۷۰.

تجویدی، اکبر (۱۳۵۵). دانستی‌های نوین در مورد هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

تفضلی، احمد (۱۳۶۶). شهرستان‌های ایران. در محمدیوسف کیانی (ویراستار)، شهرهای ایران (صص ۷۵-۹۲). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا (۱۳۶۳). معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان. تهران: انتشارات یساولی و فرهنگسرا.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۹۳). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.

حسینی فسائی، حاج‌میرزا حسن (۱۳۷۸). فارسنامه ناصری (تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی). تهران: انتشارات امیرکبیر.

خسروزاده، علیرضا (۱۳۷۷). شهرسازی دوره ساسانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی). تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

خلیق، عباسعلی و مفرحی، حسین (۱۳۷۶). مالکیت و طرح شهری. تهران: انتشارات مرسل.

نامنظم داشتند که این تفاوت‌ها تابع کارکرد و هدف پیش‌بینی‌شده برای هر شهر بوده است.

ساختار کالبدی شهر در این دوران بازتابی از نظم اجتماعی و اقتصادی حاکم بود. به‌عنوان نمونه، شهرهای مدور و برخی از شهرهای مستطیل‌شکل نظیر دارابگرد و بیشاپور عمدتاً متعلق به نیمه نخست دوره ساسانی هستند. از سوی دیگر، ساختار طبقاتی جامعه نیز نقش مؤثری در طراحی فضاهای شهری ایفا می‌کرد، به‌گونه‌ای که معماری شهر به‌نحوی طراحی می‌شد که از تماس مستقیم طبقات فرودست با نهادهای حاکمیتی و اشرافی جلوگیری شود. بنابراین می‌توان نظام کاستی (طبقاتی) ساسانی را از جمله عوامل مؤثر در ساخت و شکل‌گیری فضاهای شهری این دوره به‌شمار آورد.

ساسانیان با احداث شهرهایی دارای اهداف و کارکردهای متنوع، نه تنها موجب تحولات بنیادین در نظام سکونت و ساختار شهرهای تحت فرمان خود شدند، بلکه ضمن تقویت بنیان‌های مذهبی و تأکید بر جایگاه دین در سامان شهری، نوعی فرهنگ نوگرایی، رفاه‌طلبی و سازمان‌دهی پیشرفته را به هم‌عصران خود و حتی به دوره‌های بعدی، به‌ویژه دوران اسلامی، منتقل نمودند.

منابع

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۶). راهنمای زبان‌های باستانی ایران (جلد ۲). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ابودلف، مسعر بن مهلهل (۱۳۵۴). سفرنامه ابودلف در ایران (با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه محمد طباطبایی). تهران: فرهنگ ایران زمین.

اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل (۱۳۹۰). تحلیل سیستم تدافعی سیراف در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی بر پایه قلعه‌های نویافته در آن. در محمدابراهیم زارعی (گردآورنده)، باستان‌شناسی ایران در دوره اسلامی (صص ۴۵-۶۲). همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

اشپولر، برتولد (۱۳۶۴). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (ترجمه جواد فلاطوری). تهران: علمی و فرهنگی.

- خوشنویس، احمد میرزا و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۸). تصویری از شهر در متون تاریخی: نمونه نیشابور. در باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی (گردآورنده)، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی (ص ۴۳۶). تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- دبیری‌نژاد، بدیع‌الله (۱۳۵۱). جندی‌شاپور. هنر و مردم، ۱۱۹-۱۲۰، ۷-۹.
- دریایی، تورج (۱۳۸۱). سقوط ساسانیان (ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی). تهران: نشر تاریخ ایران.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). شاهنشاهی ساسانی (ترجمه مرتضی ثاقب‌فر). تهران: نشر ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸). شهرستان‌های ایران‌شهر (ترجمه شهرام جلیلیان). تهران: نشر توس.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۵). اوستا. تهران: نشر مروارید.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر نگاه.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۲). اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان. تهران: نشر موج.
- سامی، علی (۱۳۵۵). معماری ایران در عهد ساسانی تا مدائن. هنر و مردم، ۱۶۵-۱۶۶، ۲۹-۳۰.
- سایکس، پرسی (۱۳۸۰). تاریخ ایران (ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی). تهران: نشر افسون.
- سرفراز، علی‌اکبر و فیروزمندی، بهمن (۱۳۷۵). ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی. تهران: انتشارات عفاف.
- سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۶۶). بیشاپور. در محمدیوسف کیانی (ویراستار)، شهرهای ایران (جلد ۲، صص ۴۵-۶۲). تهران: جهاد دانشگاهی.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۶۲). دایره‌المعارف شهرهای جهان. تهران: انتشارات علم و زندگی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: انتشارات آبی.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۵۲). جغرافیای تاریخی سیراف. تهران: انجمن آثار ملی.
- شوارتس، پاول (۱۳۸۲). جغرافیای تاریخی فارس (ترجمه کیکاووس جهانداری). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طاهری، عبدالمحمد (۱۳۸۱). فارسنامه دوم: شناختی تاریخی، فرهنگی و اقتصادی. شیراز: انتشارات امیدواران.
- عریان، سعید (۱۳۶۱). شهرهای ایران. چپستا، ۲(۵)، ۵۹۳-۶۱۹.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). تاریخ مهندسی در ایران. تهران: انتشارات گویش.
- فرید، یدالله (۱۳۷۱). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- فریور صدری، بهرام (۱۳۸۰). بافت و ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران. در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بم (ص ۶۱۵). کرمان: سازمان میراث فرهنگی.
- قادر، ساسان (۱۳۸۵). تاریخ تحولات اجتماعی ایران (جلد ۱). اصفهان: رنگ آب.
- قاسم‌بگلو، مرتضی (۱۳۸۵). سکه‌های سیراف. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کاستللو، فرانسیس (۱۳۶۸). [عنوان نامشخص] (ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی). تهران: انتشارات نی.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۴). وضع ملت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی (ترجمه مجتبی مینوی). تهران: انتشارات مجلس.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان (ترجمه رشید یاسمی). تهران: صدای معاصر.
- کریمیان، حسن و سیدین، ساسان (۱۳۸۹). دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی بر اساس مستندات باستان‌شناختی. باغ نظر، ۷(۱۳)، ۷۳-۸۸.
- کریمیان، حسن و سیدین، ساسان (۱۳۸۸). بازیابی شهرهای باستانی با استناد به متون تاریخی: نمونه موردی دارابگرد. باغ نظر، ۶(۱۱)، ۶۹-۸۲.
- کریمیان، حسن (۱۳۸۶). هویت کالبدی و بصری شهرهای ساسانیان. در باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی (گردآورنده)، سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی (صص ۵۳۹-۵۵۶). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کلایس، ولفرام (۱۳۸۳). کاخ‌ها. در محمدیوسف کیانی (گردآورنده)، معماری ایران در دوره اسلامی (ص ۱۲۰). تهران: سمت.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۰). شهرهای ایران (جلد ۴). تهران: انتشارات سبحان.

- گدار، آندره (۱۳۵۸). هنر ایران (ترجمه بهروز حبیبی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گلچین، پیمان (۱۳۸۸). احیاء و طراحی مسیر گردشگری محوطه تاریخی بیشاپور و تنگ چوگان با توجه به منطقه تاریخی - طبیعی منطقه (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.
- گیرشمن، رومان (۱۳۷۹). بیشاپور (ترجمه اصغر کریمی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گیرشمن، رومان (۱۳۷۸). ایران از آغاز تا اسلام (ترجمه محمد معین). تهران: علمی و فرهنگی.
- لباف خانیکی، رجبعلی و لباف خانیکی، میثم (۱۳۹۱). معماری کهن‌دژ نیشابور در دوره ساسانی. در حمید فهیمی و کریم عزیززاده (گردآورندگان)، نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش (صص ۳۳۷-۳۴۶). تهران: ایران‌نگار.
- لباف خانیکی، رجبعلی (بی تا). مروری بر دستاوردهای مطالعاتی میدانی شادیاخ یا کهن‌دژ نیشابور. در مجموعه سمینار یک‌روزه ارائه دستاوردهای فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی دوره اسلامی (صص ۱۱-۱۳). تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۸۶). مروری بر مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی هیأت مشترک ایران و فرانسه در کهن‌دژ نیشابور. در مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی اسلامی ۶ (صص ۵-۲۱). تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- لسترینج، گای (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی (ترجمه محمود عرفان). تهران: شرکت ملی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ (۱۳۷۲). تمدن ایران ساسانی: ایران در سده سوم تا پنجم میلادی (ترجمه عنایت‌الله رضا). تهران: علمی و فرهنگی.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱). تئوری شکل شهر (ترجمه حسین بحرینی). تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده (تحقیق عبدالحسین نوایی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۷۸). نزهةالقلوب (به کوشش محمد دبیر سیاقی). تهران: نشر طه.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر (ترجمه ابوالقاسم پاینده). تهران: علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۳). تاریخ سیاسی ساسانیان. تهران: دنیای کتاب.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱). جغرافیای تاریخی ایران باستان. تهران: دنیای کتاب.
- مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۶). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- مظفریان، منوچهر (۱۳۷۳). کازرون در آئینه فرهنگ ایران. شیراز: انتشارات نوید.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (ترجمه علینقی منزوی). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳). شهرهای ساسانی. تهران: انتشارات سمت.
- موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۸۲). پژوهشی در باستان‌شناسی زرنگ دوره اسلامی (رساله دکتری). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ناومان، رودلف (۱۳۸۲). ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان (ترجمه فرامرز نجد سمیعی). تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- هدایت، صادق (۱۳۱۸). کارنامه اردشیر بابکان. تهران: ناشر مؤلف.
- هرودت (۱۳۳۶). تاریخ هرودت (ترجمه هادی هدایت). تهران: دانشگاه تهران.
- هوف، دیتريش (۱۳۶۵). شهرهای ساسانی. در محمد یوسف کیانی (گردآورنده)، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران (ترجمه محمد رحیم صراف، صص ۱۷۶-۲۰۴). تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- هوف، دیتريش (۱۳۶۸). فیروزآباد. در محمد یوسف کیانی (گردآورنده)، مجموعه شهرهای ایران (جلد ۳، ترجمه کرامت‌الله افسر). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- هوف، دیتريش (۱۳۶۸). تخت سلیمان. در محمد یوسف کیانی (گردآورنده)، مجموعه شهرهای ایران (جلد ۳). تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

مارکورات، یوزف (۱۳۷۷). *ایران‌شهر بر مبنای موسی خورنی* (ترجمه مریم میر احمدی). تهران: اطلاعات.

یوسف جمالی، محمد کریم و سلیمی، بتول (۱۳۸۶). *دارابگرد* از گذشته تا پایان عصر ساسانیان. فصلنامه علمی، ۴(۲)، ۴۵-۶۲.

Adams, R. M. C., & Hansen, D. (1968). Archaeological reconnaissance and soundings in Jundi Shapur. *Ars Orientalis*, 7, 53-73.

Azarnoush, M. (1994). *The Sasanian manor house at Hajiabad, Iran*. Florence.

Azarnoush, M. (2001). Sasanian art. In A. Sh. Shahbazi (Ed.), *The splendour of Iran* (Vol. 1, pp. 274-279). Tions London.

Boyce, M. (1979). *Zoroastrians: Their religious beliefs and practices*. London: Routledge & Kegan Paul.

Kleiss, W. (1994). Istakhr und Umgebung: Archäologische Beobachtungen und Befunde. *Archäologische Mitteilungen aus Iran. Neue Folge* (Berlin), 27, 165-189.

Reuther, O. (1977a). Sasanian architecture. In A. U. Pope (Ed.), *A survey of Persian art: From prehistoric times to the present* (Vol. II, pp. 493-578). Oxford: Oxford University Press.

Schmidt, E. (1939). *The treasury of Persepolis and other discoveries in the homeland of the Achaemenians*. Chicago: University of Chicago Press.

Whitcomb, D. (1976). The city of Istakhr and the Marvdasht plain. In *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie, München, 7-10 September 1976* (*Archäologische Mitteilungen aus Iran, Ergänzungsband 6*, pp. 363-370). Berlin.

هوف، دیتريش (۱۳۷۴). *داراب پایتخت ایالتی*. در محمد یوسف کیانی (گردآورنده)، *پایتخت‌های ایران* (ترجمه فرامرز نجد سمیعی). تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

وایت‌هاوس، دیوید (۱۳۵۳). *کاوش‌های باستان‌شناسی سیراف*. بررسی‌های تاریخی، ۵۵، ۲۲۱-۲۷۴.

ورج‌اوند، پرویز (۱۳۶۳). *استمرار هنر، معماری و شهرسازی ایران*. در مجموعه مقالات ایران. تهران: انتشارات شرق.

ورج‌اوند، پرویز (۱۳۶۶). *شهرسازی و شهرنشینی در ایران*. در محمد یوسف کیانی (گردآورنده)، *شهرهای ایران* (جلد ۴). تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

وزیری، علینقی (۱۳۳۷). *تاریخ عمومی هنرهای مصور*. تهران: دانشگاه تهران.

ویس‌هوفر، یوزف (۱۳۷۷). *تاریخ ایران از ۵۵۰ ق.م تا ۶۵۰ م*. (ترجمه مرتضی ثاقب‌فر). تهران: ققنوس.

ویلیامسون، آندریو (۱۳۵۱). *تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و قرون اول و دوم هجری*. باستان‌شناسی و هنر ایران، ۹ و ۱۰، ۱۴۲-۱۵۱.

یارشاطر، احسان (۱۳۷۳). *پیشگفتار*. در *تاریخ ایران کمبریج* (جلد ۳، قسمت اول، ترجمه حسن انوشه، صص ۹-۱۰۰). تهران: امیرکبیر.